



زایش هرمنوتیک فلسفی از بطن پدیدارشناسی

سهند ستاری
Sattari.sa@gmail.com



دانش را روشی واحد پنداشت که با رویکرد آگاهی و جایگاه فعلیت ذهن استعلایی به حوزه پیش فهم‌ها می‌رسد که البته در این بین پرنیگ‌ترین اندیشه متعلق به آگاهی آدمی است. مارتین هایدگر جوانی که در پی تبیین اندیشه نوپایی بود متأثر از پیر و مرشد خود هوسرل، دست به فلسفیدن در فضایی بکر و تازه زد تا با پدیدارشناسی هوسرل کلیدهای اولیه را برای ارائه و اعتباربخشی به هرمنوتیک فلسفی خود کسب کند در حالی که هرگز پدیدارشناسی را به عنوان یک دانش فلسفی نپذیرفت. لذا بسیاری از اندیشه‌های ابتدایی هایدگر در مفاهیم و آثار هوسرل ریشه دارند که در واقع هوسرل مبدایی بر اندیشه او شد اما به ادعایی از او فراتر می‌رود. او پدیدارشناسی را در منشور ذوابعاد فلسفه در یک راستای به‌خصوصی متصور نشد و از پدیدارشناسی نیز به عنوان یکی از امکانات در دست دازاین نام برد؛ یک امکانی که تا به امروز وجود داشته و شرایط را برای فضاهاى اندیشه مهیا می‌کند تا به سمت ایزه‌ها و چیزها در حرکت باشد. از این رو به‌رغم زنگ شروعی که با هوسرل نواخته شد اما طنین این ماوا چندی بیش طول نکشید و وی با آغاز تدریس دانشگاهی اش مخالفت خود را با هوسرل ابراز کرد. موضع اشتراکی او با هوسرل به صورت صرف در مورد برخی از مبانی پدیدارشناسی بود که در طول نوشتار به آن خواهیم پرداخت. سیر پدیدارشناختی هوسرل و هایدگر در نموداری متوازن و منطبق بر هم در حرکت است که در نقطه عطفی، منحنی اندیشه‌های حاکم در بستر تفاوت‌ها و رویکردها از هم دور می‌شوند. لذا بررسی همراهی هایدگر با هوسرل و سپس مقبولیت مشروط هایدگر از اندیشه هوسرل و در پیوست با نقطه عطف و دورشدگی به سوی اهداف استحال برانگیز، در رویکرد و کاربردی متفاوت از بسترسازی بنیادین ملموس است. هایدگر در محیط اندیشه پدیدارشناسی هوسرل متوجه شد و فارغ از یک یقین معین و مقرراتی برای پایه فهم است و در حیطه اندیشه او با چنان روشی فلسفی رویه‌رو است که این امکان را برای فلسفه‌اش فراهم می‌آورد تا تجربه‌های مختلف را در کنار هم قرار دهد.

مسیر همراهی هایدگر با هوسرل هرچند کوتاه بود اما آغاز اندیشه هایدگر شد. هوسرل عمیقاً بر شهود تأکید ورزید و به اعتقادی، جهان را از سکوت و درجا زدن در وادی حکم‌ها و شرط‌های منطقی نجات داد که هایدگر از فضای ایجابی هوسرل توانست به وجود و زمان برسد. در واقع هوسرل کلیدهای راهگشایی اولیه را به او داد اما بعدها خود دست به کلیدگشایی زد. از این رو نقش بنیادین هوسرل در رشد و تکامل فلسفه هایدگر مشهود است. تأکید هوسرل بر پیگیری شک‌آوری دکارتی، مفهوم فلسفه نکته‌سنج و باریک‌بینی را منوط و مشروط به جدایی و رهایی از کلیه پیش فرض‌ها دانست فلذا هیچ چیز از همه چیز را میرا از نقص و در عین حال کامل ندانست. به‌زعم هوسرل درون آدمی موکد بر ادراک جهان بیرونی است و پی در پی آگاه از چیزی. هایدگر از فلسفه هوسرل این نکته را پذیرفت که هر اظهارنظر و نظریه علمی و متافیزیکی را باید کنار بگذاریم و سپس دست به فلسفیدن بزنیم در واقع همان سخن معروف هوسرل؛ بازگشت به سمت و سوی خود چیزها. برای نمونه در تحلیل مفهوم زیبایی آرای افلاطون و کانت و همه پیشینیان را کنار

حاکم بر اندیشه او را مشروط دانست. او بر این عقیده بود که شهود به صرف نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد چراکه همواره در بطن دنیایی فعالیت می‌کند که حوزه علمی مقدم بر حقیقت است. از این رو به گمان او مفهوم نیت‌مندی فضایی مکفی برای تفهیم ماهیت و چرایی حقیقت نیست. اما نقطه عطف و دورشدگی هایدگر از هوسرل کجا بود؟ هایدگر تنها این فضا از هوسرل را پذیرفت که آدمی با هستی و چیزها به صورت نیت‌مند رابطه دارد یعنی به آنها سوگیری و جهت‌گیری پیشین آن واقع را دارد و نیز قبول کرد ما بر اساس معناها جهت‌گیری می‌کنیم اما هرگز نپذیرفت معنا و مفهوم به صرف محصول عملکرد درونی ذهن است. این مبنا نقطه عطف دور شدن شاگرد از مرشد خود شد.

از فضایی که هوسرل بنا نهاد و با بازگشت پدیدارها به آگاهی، مقدمات و شرایط حصول پیش فهم‌ها به دست می‌آمد در حالی که هایدگر هستن دازاین را مقدم و ارجح بر آگاهی او قلمداد می‌کرد. به‌زعم هایدگر تمام پدیده‌ها دارای ماهیتی آشکارکننده هستند و در ارتباط و تکاپوی تنگاتنگ با هستن دازاین دست به انکشاف و گشایش می‌زند. از این رو پدیدارشناسی برای هایدگر همواره بیان نظامی است که نشانگر یک هادی است. لذا نیت‌مندی مشروط و هستن دازاین در قبال نیت‌مندی صرف و آگاهی دازاین مسیر حرکت منطبق بر هم آن دور از هم دور کرد.

برای هوسرل رویکرد پدیدارشناسی برای بازگرداندن همه چیزها و پدیدارها به سمت آگاهی برای به بار نشستن و دست یافتن به پیش فهم‌ها بود حال آنکه با ورود به فضای هایدگر با رویکرد و کاربردی مواجه هستیم که به عمق اهمیت و محوریت‌بخشی هوسرل نیست. به‌زعم هایدگر پدیدارشناسی مضمون به‌خصوصی ندارد، بلکه فقط فضا و امکانی را فراهم می‌کند که ما هستی را فرا خوانیم نه اینکه به صرف در فراخوان مولفه‌ها و مشخصه‌های هستندگان سر کنیم.

در واقع پدیدارشناسی برای هایدگر بانی امکانی است که به چیزها و پدیدارها داده می‌شود تا خود را از طریق خود نمایان کند. کاملاً ادراک مشترکی از روشی که خود را برای خود نشان می‌دهد.

نمودار متوازن فاصله گرفتن پدیدارشناسی ابزاری صرف با شیب پدیدارشناسی برای موضوع و ایزه در اندیشه هوسرل، با شیب پدیدارشناسی دازاین و مشخص ساختن ماهیت وجودی او در مکتب هایدگر به سوی اهدافی دیگر از یکدیگر در جلورفتی بود که مبانی هرمنوتیک فلسفی را برای هایدگر ارزانی داشت.

اهداف هایدگر با هوسرل در بهره از پدیدارشناسی تفاوتی بنیادین پیدا کرده بود. هایدگر از فضای رهایی که پدیدارشناسی با خود به ارمان می‌آورد استقبال کرد تا موجبی باشد برای نجات و رهایی از فضای نامناسب و مطلق‌گویی اوامر علمی و نظری. اما هرگز پدیدارشناسی را به مثابه دانشی متصور نشد که جایگزینی بر همه آنها شود. لذا برای هوسرل پدیدارشناسی روشی شد که پیشاکش پدیدارها را ارائه کند و بطن نیت‌مندی استنباط از پدیدارها و باورها را ایجاد کند.

اما از نظر هایدگر پدیدارشناسی روشی شد برای شک‌آوری نوینی در قبال کوه عظیم نظریه‌های علمی و فلسفی پیشین و شرکت در امری که هرگز نمایش و گشایشی کامل از خود نخواهد داشت لذا پدیدارشناسی به مفهوم امکانی خواهد بود که چیزی برای نشان دادن خود درست بر خطوطی حرکت کند که خود را بنمایاند. گستره بستر این فضای تالیفی از پدیدارشناسی شاید به پنهانی باشد که از زمان جدایی فلسفه شاگرد از استاد باز هم توانایی دربرگیری هر دو را دارد. اما نکته در اینجاست که با ایجاد چنین فضایی دانش پدیدارشناسی را تا سرحد یک استنباط تقلیل داده‌ایم و مفهومی شاید ابزار پندارانه پدید آورده‌ایم.

اما ماهیت دیدگاه متفاوت ابزاری پدیدارشناسی و روش‌های رویکرد به آن در استحال خود پدیدارشناسی موجبات زایش بطنی را فراهم کرد، تا مبانی هرمنوتیک فلسفی برای تبیین دیرینه‌ترین پرسش بشر از برای چیستی فهم پدید آید. رجحان توصیف پدیدارها در قبال توضیح مطلق، حاصله‌یی بر ادراک هستی است که در مقبولیت تاریخ دانش آدمی، ترکیبی از فضای ملموس وصف و توجیه، بستر پرده‌داری از حجاب ظلمت را - البته شاید - بر مسلک آدمی در حلقه‌های زنجیروار تاریخ از دیروز تا به امروز و فردا مهیا سازد.

